



پاسخ ایران به اتهامات اسرائیل

نماینده ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به شورای امنیت به اتهامات رژیم صهیونیستی علیه کشورمان پاسخ داد. امیرسعید ایزدپا در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متعاقب نشست علنی شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴، ذیل دستور کار «تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی (S/PV۹۶۹۱) به اتهامات رژیم علیه کشورمان پاسخ داد. در این نامه آمده است: «در طی نشست علنی شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۴، ذیل دستور کار دستور کار «تهدیدات علیه صلح و امنیت بین‌المللی (S/PV۹۶۹۱) نمایندگان ایالات متحده، بریتانیا و فرانسه بار دیگر از تریبون شورای امنیت برای طرح اتهامات بی‌اساس علیه جمهوری اسلامی ایران سوءاستفاده کردند. در این نشست، نماینده رژیم اشغالگر اسرائیل که رهبران و مقامات آن دستان‌شان به خون مردم بی‌گناه فلسطین آلوده است، به نشر اکاذیب و اطلاعات نادرست علیه کشورم پرداختند. جمهوری اسلامی ایران به طور قاطع همه اتهامات بی‌اساس مطرح‌شده علیه خود در این نشست را محکوم و رد می‌کند. ایران همچنین اتهامات تکراری و بی‌اساس نماینده ایالات متحده در نشست علنی امروز [دربور] شورای امنیت در خصوص وضعیت یمن را که در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۲۰۲۴ ذیل دستور کار «وضعیت در خاورمیانه» (S/PV۹۶۹۲) برگزار شد، قویاً رد می‌کند. ما می‌دانیم که این فرصت استفاده کرده و اتهامات بی‌پایه مطرح شده علیه کشورم در نامه مورخ ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴ نمایندگان رژیم اسرائیل به رئیس شورای امنیت را به‌طور کامل رد کنیم. مزید امتنان خواهد بود چنانچه مکاتبه حاضر به‌عنوان سند شورای امنیت ثبت و توزیع گردد.»



واکنش به گزارش جاوید رحمان

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه انتشار گزارش کذب جاوید رحمان گزارشگر سابق شورای حقوق بشر را شدیداً محکوم کرد و آن را تلاش دشمنان ایران برای خدشه‌دار کردن وجهه جمهوری اسلامی ایران دانست. «ناصر کنعانی» تأکید کرد: این گزارشگر سابق با تکیا به عنوان بین‌المللی و در ادامه خدمات خود به گروهک تروریستی منافقین در آخرین روزهای دوره کاری‌اش، منویات این گروهک تروریستی را دنبال کرده و بدیهی است ادعاهای وی فاقد هرگونه وجهت قانونی بوده و کاملاً مُردود است. سخنگوی وزارت امور خارجه با ابراز تأسف شدید از این که این فرد به راحتی از جایگاه سازمان ملل متحد سوءاستفاده کرده و اخبار کذب منتشر می‌کند، اظهار داشت: مقامات سازمان ملل متحد به‌ویژه دفتر کمیسر عالی حقوق بشر مسئولیت قانونی دارد تا مانع از سوءاستفاده و میه‌سازی زمینه برای پیگیری اهداف مفرضانه‌شخصی و یا گروهی علیه کشورها شود و جمهوری اسلامی ایران حق قانونی خود را برای اعتراض به این روند غلط در برخی از نهادهای حقوق بشری محفوظ می‌داند. سخنگوی دستگاه دیپلماسی در ادامه اظهار داشت: معاندین مردم ایران که از طریق تروریسم، تشویق تحریم‌های اقتصادی ظالمانه و سایر اقدامات ایدئاتی توانستند ملت ایران را به زانو درآورند، امروز نیز با سوءاستفاده از نهادهای بین‌المللی و جعل واقعیت نمی‌توانند سابقه سیاه اقدامات ضدانسانی و تروریستی خود را پاک نمایند. کنعانی در پایان تأکید کرد: تجارب چند دهه گذشته به روشنی گواه این است که دشمنان ملت ایران خوار و رسوا شده و حرکت عزتمندانه مردم ایران برای پیشرفت و اقتدار کشور قدرتمندانه تداوم دارد. جاوید رحمان در گزارش‌های نُه‌گانه که در پایان دوران مأموریت خود به‌عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران منتشر کرده مرزهای سیاست‌زدگی را درنوردیده و به‌وضوح وارد حیطه خصومت شده است. وی در بخشی از گزارش ادعایی خود در اقدامی که سابقه با اعلام توصیه‌هایی خواستار تشکیل یک سازوکار مستقل بین‌المللی برای رسیدگی به آنچه نقض حقوق بشر از سوی ایران خوانده، شده و از جامعه بین‌المللی در خواست کرده در این زمینه اقدام کنند.

تعامل آن‌ها با سایر نقاط جهان روابط دیپلماتیک برقرار و از منافع حاصل از آن بهره برد. گویی هر کشوری حاضر است به صرف پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، و عرضه توانمندی‌ها و خدمات از سوی این کشور، روابط گسترده‌ای را آغاز و دنبال کند. این نگاه با در نظر داشت پیوندهای وثیق اقتصادی کشورها با یکدیگر در کنار منافع سیاسی و امنیتی محل تردید است. اکنون اقتصاد کشورها در حوزه‌های مختلف به‌ویژه حوزه مالی و پولی آنچنان در هم تنیده شده و آنچنان به یکدیگر وابسته شده است که امکان برقراری روابط مستقل دولت‌ها با یکدیگر اگر نگوئیم ناممکن، بسیار دشوار است. بلوکه‌شدن منابع مالی ایران در بانک‌های بسیاری از کشورهای طرف روابط تجاری از جمله کره جنوبی و یا حتی عراق، نمونه‌هایی از این دست هستند. سطح پایین تعاملات تجاری، اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای هم‌جوار به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس نشان از آن دارد که برقراری هرگونه روابط در این منطقه نیازمند توجه به پیوندهای کشورهای عضو با ساختار نظام جهانی است. این کشورها در برقراری هرگونه تعاملی با جمهوری اسلامی ایران در درجه نخست به نسبت آن با ساختار نظام بین‌الملل توجه می‌کنند.

۴ در نهایت اینکه از گفت‌وگوهای جلیلی چنین برمی‌آید که وی برقراری روابط اقتصادی با سایر کشورها را در استقلال آن از منافع امنیتی و سیاسی امکان‌پذیر می‌داند. به بیانی دیگر از نظرگاه جلیلی می‌توان بدون در نظر داشت نگرانی‌های سیاسی یا امنیتی سایر کشورها، روابط اقتصادی را با آنها برقرار و گسترش داد. به نظر می‌رسد چنین ادراکی هیچ پیوندی با منطق عملکرد دولت‌ها در نظام بین‌الملل ندارد. بسیاری از کشورها حتی با آگاهی از منافع حاصل از روابط اقتصادی، تنها به سبب نگرانی‌های امنیتی و یا سیاسی حاضر به برقراری روابط با سایر کشورها نیستند. به تردید نگاه سیاسی و امنیتی کشورها، روابط اقتصادی آنها با یکدیگر را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. شوربختانه برخی از کشورهای هم‌جوار ایران حتی با آگاهی از منافع حاصل از روابط اقتصادی، به سبب برخی نگرانی‌های سیاسی و یا امنیتی که بسیاری از آن‌ها نیز حاصل سوءبرداشت و یا سوءتفاهم از نیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، حاضر به گسترش روابط اقتصادی و تجاری نیستند. این امر گویای آن است که در طراحی هرگونه استراتژی برای بهره‌مندی از منافع حاصل از روابط اقتصادی به ناچار باید منافع امنیتی و سیاسی طرف‌های همکاری را نیز در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

سعید جلیلی تفکری را در سیاست خارجی نمایندگی می‌کند که از یک‌سو تعدد کنشگران را با تکثر فرصت‌های ساختاری در نظام بین‌الملل برابر می‌داند و از سوی دیگر کنشگران در سیاست جهانی را به دو دسته دولت‌های هم‌سو و ناهم‌سو با ایران دسته‌بندی می‌کند. با در نظر داشت این تقسیم‌بندی، جلیلی بر این باور است که مطلوب‌ترین گزینه سیاست خارجی همکاری و همراهی با دولت‌های هم‌سو بدون نگرانی از کارشکنی‌های دولت‌های ناهم‌سو است. تأمل در ساختار نظام بین‌الملل و تعمق در بنیان‌های حقیقی سیاست جهانی به خوبی گواهی بر نادرستی هر دوی این مفروضات است. در تعیین ساختار نظام بین‌الملل هیچ‌گاه نمی‌توان نقش قدرت و منافع قدرت‌های بزرگ را نادیده گرفت. ساختار نظام بین‌الملل با تعداد کنشگران حاضر در آن برابر نیست؛ بلکه آنگونه که پیش از این بدان اشاره شد، هر ساختاری محصول چگونگی توزیع قدرت، نهادها و هنجارهای حاکم بر آن است. ساختار کنونی نظام بین‌الملل محصول منافع قدرتمندترین دولت‌ها است که برای تنظیم روابط خود نهادهایی را تأسیس و قواعد و هنجارهایی را تصویب کرده‌اند. هیچ کنشگری نمی‌تواند بدون تحمل هزینه‌های فراوان، در تعیین سیاست خارجی خود این ساختار را نادیده بگیرد. حتی کشورهایی همانند روسیه و چین در مقام شرکای ایران، تابع ساختار نظام بین‌الملل هستند و از قواعد آن پیروی می‌کنند. افزون بر این، دسته‌بندی دولت‌ها در نظام بین‌الملل به دو دسته دولت‌های هم‌سو و ناهم‌سو با جمهوری اسلامی ایران محل تردید است. به نظر نمی‌رسد اکنون شاهد چنین دسته‌بندی‌ای در سیاست جهانی باشیم.

چنین ادراکی از نظام بین‌الملل سبب شده تا در تفکر سعید جلیلی سیاست خارجی کارپوزه اصلی خود یعنی کوشش برای ارتقای جایگاه یک کشور در سلسله‌مراتب قدرت را از دست بدهد. جلیلی بدون ارزیابی این پیامد که برقراری روابط دیپلماتیک با برخی از کشورها چه تأثیری بر ارتقای جایگاه ایران دارد تنها داشتن روابط با کشورهای بیشتر و هم‌سو را موفقیت سیاست خارجی تلقی می‌کند. با چنین برداشتی، سیاست خارجی در تنگنای یک نگاه حداقلی محبوس و از کارکرد اصلی خود دور می‌شود. آری در این تفکر می‌توان بی‌اعتنا به دولت‌های ناهم‌سو روابط دیپلماتیک را توسعه داد اما اینکه چنین تعاملاتی چه اثری بر قدرت ملی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت، پرسش بزرگی است که باید بدان پاسخ داد.

۱- problem
2- Obstacle é piste mologique
3-Conceptual Scheme

روابط تجاری با کشوری به مانند سریلانکا با یک اقتصاد تک‌محصولی چگونه می‌تواند سبب ارتقای جایگاه اقتصادی ایران شود؟ تا چه حد گسترش روابط اقتصادی و سیاسی با کشوری همانند ترکمنستان، قرقیزستان و... به ارتقای جایگاه ایران یاری می‌رساند؟ بسیاری از کشورهای آفریقایی آنچنان از ساختار نظام بین‌الملل منفک و مجزا و آنچنان درگیر و دار موضوعات داخلی خود هستند که گاه حاصل برقراری روابط با این کشورها تنها هزینه‌های سیاسی بیشتر است. البته این به معنای عدم برقراری روابط با این کشورها نیست بلکه سخن از وزن این کشورها برای پیشبرد منافع استراتژیک سیاست خارجی است. با پیروی از نگرش جلیلی، این کشورها به سبب آنکه دولت‌هایی هم‌سو با ایران هستند، شرکای قابل اتکایی محسوب می‌شوند. هم‌سو بودن این کشورها با ایران نیز محل تردید است و نمی‌توان با شاخص‌هایی آن را استنباط کرد، با وجود این، حتی با فرض هم‌سو بودن، داشتن روابط اقتصادی و سیاسی با چنین کشورهایی، تغییری در جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل ایجاد نمی‌کند. پیگیری سیاست خارجی با چنین منطقی به یک تعامل حداقلی منتهی خواهد شد. به بیان دیگر منطق سیاست خارجی سعید جلیلی تنها به دستاوردهایی حداقلی منتهی و سیاست خارجی را از کارپوزه اصلی آن یعنی ارتقای جایگاه ایران محروم خواهد کرد.

۲ از نظرگاه سعید جلیلی چنین برمی‌آید که وی در تبیین ماهیت تعاملات دولت‌ها التفاتی به مفهوم و اثرگذاری ساختار نظام بین‌الملل/نظم جهانی ندارد. تأملی در سرشت حقیقی نظام بین‌الملل به خوبی گواهی بر آن است که این نظام در مقام چارچوبی برای تعیین ماهیت تعاملات دولت‌ها، دارای ساختاری است که عناصر قوام‌بخش آن را ابعاد مادی، نهادی و هنجاری شکل می‌دهند (نویسنده در مقاله‌ای دیگر با تفصیل بیشتر مفهوم نظم جهانی و عناصر قوام‌بخش آن را بررسی کرده است). در بُعد مادی نحوه توزیع قدرت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده است. اینکه نظام بین‌الملل در سیطره قدرت یک، دو یا چند دولت باشد، مهم‌ترین عامل در تعیین چگونگی کارکرد آن است. این قدرتمندترین دولت‌ها هستند که با شکل‌دهی به ساختار نظام بین‌الملل ماهیت تعاملات را در آن تعیین می‌کنند. در بُعد نهادی نیز هر ساختار نظام بین‌المللی دارای نهادهایی است که برای تنظیم روابط دولت‌ها تأسیس می‌شوند. در نهایت اینکه هر ساختاری دارای ابعادی هنجاری است که برخی قواعد و ایده‌ها را تثبیت و برخی دیگر را نفی می‌کند. چنین ساختاری تمامی شئون حیات سیاسی دولت‌ها به‌ویژه سیاست خارجی آنها را تعیین و تنظیم می‌کند. هیچ دولتی در نظام بین‌الملل نمی‌تواند بدون در نظر داشت این ابعاد سه‌گانه ساختار نظام بین‌الملل و پیامدهای آن، جهت‌گیری سیاست خارجی خود را تدوین و اجرا کند. عدم التفات به این ساختار و بی‌توجهی به ابعاد نهادی و هنجاری آن تنها سبب تحمیل هزینه‌های سنگین به دولت‌ها خواهد شد. البته می‌توان به چگونگی توزیع قدرت، کارکرد نهادها و هنجارهای بین‌المللی بی‌اعتنا بود اما نتیجه چنین رویکردی تنها انزوای سیاسی و اقتصادی و تحمل هزینه‌های سنگین است. کره شمالی نمونه‌ای است از کشورهایی که به ساختار بین‌المللی بی‌اعتنا باقی مانده، حاصل کار را می‌توان به روشنی استنباط کرد.

شوربختانه اکنون نحوه توزیع قدرت و ابعاد نهادی و هنجاری نظام بین‌الملل به گونه‌ای است که همان کشورهای ناهم‌سو از نظرگاه جلیلی بر آن تسلط دارند. ایالات متحده آمریکا و متحدان این کشور بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد اقتصاد جهانی را در اختیار گرفته و نهادهای بین‌المللی و قواعد آن نیز در سیطره قدرت این دولت‌ها است. سایر دولت‌ها نیز تعاملات خود را با کشورهای دیگر با در نظر داشت جایگاه آمریکا و متحدان این کشور تنظیم می‌کنند. به همین سبب کشوری همانند چین نیز نمی‌تواند با ایران به جز خرید نفت، تعاملات اقتصادی و سیاسی بیشتری داشته باشد. این کشور خطر تحریم‌های آمریکا و متحدان برای سرمایه‌گذاری در ایران را نمی‌پذیرد. کشوری مانند روسیه نیز حاضر به تحمل هزینه‌های اقتصادی حاصل از تحریم‌های غرب برای همراهی با جمهوری اسلامی ایران نیست. این محدودیت‌ها حاصل اثرگذاری همان ساختار نظام بین‌الملل است که در گفت‌وگوهای سعید جلیلی به هیچ‌گونه می‌شود. هنوز نهادهایی همچون بریکس و یا سایر نهادهای منطقه‌ای توانسته‌اند ساختاری موازی یا متفاوت از ساختار موجود عرضه کنند و به نظر می‌رسد حتی با تغییر نحوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل در دوران قدرت‌گیری چین، بسیاری از ساختارها و قواعد نظم موجود همچنان پایدار باقی خواهند ماند و روابط دولت‌ها را تنظیم خواهند کرد. بدین‌سان مخالفت آمریکا و متحدان این کشور با ایران تنها مخالفت چند دولت ناهم‌سو نیست که بتوان به آسانی آن‌ها را نادیده گرفت، بلکه در اینجا سخن از تضاد با ساختار نظام بین‌الملل یا همان نظم جهانی است که همانگونه که بدان اشاره شد، چنین تضادی هزینه‌های فراوانی را به کشورها تحمیل خواهد کرد.

۳ به نظر می‌رسد نظرگاه جلیلی درباره نظام بین‌الملل از یک دید جزیره‌ای در سیاست خارجی پیروی می‌کند. از اظهارات وی چنین برمی‌آید که می‌توان با برخی از کشورها و مناطق جهان بدون در نظر داشت ارتباط و

گره‌ی از کار فروبسته ایران در عرصه سیاست خارجی نمی‌گشاید بلکه تنها طوق انقیاد را تنگ‌تر خواهد کرد. جلیلی راه برون‌رفت را گسست از اندیشه غرب‌گزینی و گزینش دولت‌های هم‌سو برای توسعه روابط دیپلماتیک می‌داند. از این نظرگاه، با کنار گذاشتن دولت‌های ناهم‌سو، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند روابط خود را با کشورهایی که دولت‌های هم‌سو خوانده می‌شوند، گسترش دهد. از نظر جلیلی، اکثریت کشورهای جهان دولت‌هایی هم‌سو با ایران هستند و نباید جغرافیای دیپلماسی ایران تنها به چند کشور غربی محدود شود. وی با برشمردن نمونه‌هایی همچون کشورهای آفریقایی یا آمریکای لاتین خواستار توسعه حوزه دیپلماسی ایران است. فرجام سازگار چنین دیپلماسی در دستگاه فکری جلیلی توسعه منابع، پیشرفت اقتصادی، ارتقای جایگاه، بی‌اثرکردن تحریم‌ها و مهم‌تر از آن پشیمان ساختن غرب از تحمیل اراده است. مهم‌ترین نتیجه‌ای که از این ملاحظاتی اجمالی می‌توان گرفت این است که جلیلی، نظام بین‌الملل را در مقام ساختاری برای کنش دولت‌ها تنها براساس تعداد کشورهای فهم و این کشورها را نیز با خوانشی ویژه به دو دسته کشورهای هم‌سو و ناهم‌سو با ایران دسته‌بندی می‌کند. به بیانی دیگر، وی به تعداد کشورهای جهان، به عنوان فرصت‌های دیپلماتیک می‌نگرد. بر این اساس مخالفت تنها چند کشور غربی، مانعی بر سر راه سیاست خارجی و دستیابی به اهداف فراهم نمی‌کند.

تأمل در ماهیت حقیقی نظام بین‌الملل و ساختار حاکم بر آن نشان می‌دهد که چنین فضاوتی بر صواب نیست و هم از حیث نظری و هم از نظرگاه تاریخی-تجربی مورد تردید و طرد است. ظاهر نظام بین‌الملل را نباید با ساختار آن اشتباه گرفت. همانگونه که مورگنتا اندیشمند بزرگ روابط بین‌الملل نیز به درستی در کتاب سیاست میان ملت‌ها بدان اشاره می‌کند، ساختار نظام بین‌الملل با واقعیت نظام بین‌الملل دو امر متفاوت از یکدیگر هستند. در نظام بین‌الملل کنشگران بی‌شماری حضور دارند که هر یک به اقتضای منافع خود، سیاست خارجی متفاوتی را در پیش می‌گیرند. بسیاری از این کنشگران از نظر حقوقی موجودیت‌هایی مستقل و دارای حاکمیت هستند و می‌توانند با سایر کشورها تعاملات دیپلماتیک برقرار کنند. اما بنا نهادن گستره فرصت‌های دیپلماتیک یک کشور براساس تعداد کنشگران حاضر در نظام بین‌الملل به دلایلی چندان برداشتی ناصواب و یکسره نامرتب با منطق حاکم بر کارکرد سیاست خارجی و واقعیت نظام بین‌الملل است. می‌توان به طرح این نظر خطر کرد که چنین برداشتی هیچ ارتباطی با منطق امر سیاسی ندارد و اساساً نمی‌توان آن را در چارچوب منطق علم سیاست محل بحث قرار داد.

انتقادات به نظرگاه سیاست خارجی جلیلی و برداشت وی از نظام بین‌الملل

برای اجتناب از کلی‌گویی و تالی‌های فاسد آن در این بخش به دلایل نادرستی نظرگاه سعید جلیلی درباره کارپوزه سیاست خارجی و برداشت وی از منطق نظام بین‌الملل می‌پردازیم. این دلایل را می‌توان در موارد چهارگانه ذیل جمع کرد:

۱ نخست اینکه اگر گستره فرصت‌های دیپلماسی را با تعداد کشورهای حاضر در نظام بین‌الملل برابر بگیریم، این امر به معنای نادیده گرفتن کارپوزه اصلی سیاست خارجی و شاخص موفقیت آن است. موفقیت سیاست خارجی تنها به معنای گسترش روابط با کشورهایی بیشتر در نظام بین‌الملل نیست. نمی‌توان ادعا کرد که چون با کشورهای بیشتری روابط دیپلماتیک برقرار کرده‌ایم، در نتیجه موفق‌تر بوده‌ایم. سیاست خارجی موفق آن است که فرصت ارتقای توان ملی و جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل را فراهم کند. در جایی می‌توان از موفقیت سیاست خارجی سخن گفت که اجرای آن جایگاه یک کشور را در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی در جهان ارتقاء داده باشد. جایگاه یک کشور نیز تنها با شاخص‌هایی عینی و ملموس قابلیت اندازه‌گیری دارد. اقتدار و اعتبار یک کشور در نظام بین‌الملل را نمی‌توان براساس مفاهیم تهی از معنا و بدون ارائه نشانه‌های قابل مشاهده تبیین کرد. به بیانی دیگر در جایی می‌توان گفت که جایگاه یک کشور در نظام بین‌الملل ارتقاء یافته است که شاخص‌های عینی برای سنجش آن وجود داشته باشد. سیاست خارجی تا چه حد سبب توسعه اقتصادی شده است؟ تولید ناخالص داخلی را تا چه حد افزایش داده است؟ چه میزان سرمایه‌گذاری خارجی را جذب کرده است؟ تا چه حد سبب ارتقای جایگاه و یا عضویت یک کشور در سازمان‌های بین‌المللی شده است؟ اعتبار سیاسی یک کشور برای مدیریت مسائل جهانی یا منطقه‌ای در اثر کارکرد سیاست خارجی تا چه حد افزایش داشته است؟ با چنین شاخص‌هایی می‌توان موفقیت یا ناکامی یک سیاست خارجی را سنجید.

برقراری روابط دیپلماتیک با بسیاری از کشورهای جهان به سبب ساختار اقتصادی، سیاسی و حتی فاصله جغرافیایی این کشورها هیچ اثری بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل ندارد. اقتصاد بسیاری از این کشورها آنچنان ضعیف و جایگاه و اعتبار سیاسی آن‌ها آنچنان ناچیز است که داشتن روابط دیپلماتیک با آن‌ها تغییری در شاخص‌های قدرت ایران ایجاد نخواهد کرد. به‌عنوان مثال، داشتن